

بررسی تطبیقی نظام ارزشی جهت گیری دینی (مدلی برای مهندسی ارزش‌های فرهنگی در ایران)

دکتر شهلا باقری

دکتر شهلا باقری
دارای دکترای
جامعه‌شناسی از
دانشگاه علامه

تصویر

طباطبائی و استادیار دانشگاه
تربیت معلم و صاحب ۴ جلد کتاب
و مقاله در حوزه مسائل زنان و
جامعه‌شناسی می‌باشد.



در این پژوهش کوشیده شده است نتیجه حاصل از بحث را تحت عنوان مدلی برای بررسی تغییرات و تحولات فرهنگی مدنظر قرار دهد؛ چون برای ورود به بحث مهندسی فرهنگ لازم است نسبت به مسیر تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی وقوف داشته باشیم و تا این وقوف حاصل نشود و ما نتوانیم از تغییرات، تحولات و درک و فهم مهندسی

این حرکتها دیدگاه روشنی داشته باشیم؛ طراحی مدلی برای مهندسی فرهنگی مقدر نخواهد بود. در این راستا فهم مهندسی حرکتها و جریان‌شناسی فرهنگی لازم به نظر می‌رسد. از نظر ما دین می‌تواند مهمترین عامل تغییرات و منبع شکل گیری فرهنگ باشد. از همین روی رویکرد را به بررسی و جهت‌گیری دینی و تحولاتی که از قبل تا بعد از انقلاب ایجاد شده است معطوف کردیم. دوستان صاحب‌نظر در عرصه‌های دینی بر این عقیده‌اند که ارزشهای دینی به فلسفه زندگی، هویت افراد، و نقش فرد مربوط می‌شود و برای دین نقش معنا سازی شخصی قابل هستند بر مبنای معرفی مدل سنجهای دینداری از آموزه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه استفاده کرده‌ایم. مطابق با خطبه اول پنج ابلاغه اساس دین؛ شناخت کامل خدا، تصدیق و گرویدن به او است یعنی تصدیق تمام توحید و یگانه دانستن او. کمال توحید خالص نمودن عمل است. با رجوع به دیدگاههای متفکرین اسلامی همچون علامه طباطبائی و علامه جعفری می‌توانیم

در بین توده عام مردم و پایش جریانهای فرهنگی در حال شکل گیری، موجود، در حال زوال و تولید شده از سوی نخبگان در حوزه‌های مختلف جامعه اعم از فرهنگ دینی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ مدنی و علمی. هدف از رصد فرهنگی: آینده نگری فرهنگی، شناسایی به موقع جریانها و مسائل فرهنگی و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح با آنها می‌باشد. وقتی به هر پدیده فرهنگی از نظر مقاطع زمانی نگاه می‌کنیم در می‌یابیم که دارای یک ریشه در گذشته است که می‌تواند در حال وضعیتی ایجاد کند و نیز پیامدهایی را در آینده رقم بزند.

رصد فرهنگی مقاطع مختلف زمانی را به شرح زیر پوشش می‌دهد: ۱- ارزیابی عملکرد فرهنگی گذشته در حوزه‌های مختلف برای بررسی نقاط قوت و ضعف ۲- ارزیابی وضعیت کنونی به منظور سنجش رضایتمندی عاملان و گروههای مخاطب ۳- آینده پژوهی و پیش بینی آینده فرهنگی. جریانیهای فرهنگی معمولاً از سوی نخبگان تولید می‌شود. هر جریانی را می‌توان از جنبه‌های مختلف از جمله مبدأ و مقصد جریان، بستر رشد جریان، روند سیر جریان و گستره و میزان تأثیرگذاری جریان بر فرهنگ عمومی مورد بررسی قرار داد.

رصد فرهنگی در مباحث معرفتی؛ سطح ارزشها و آگاهیها و در مباحث اخلاقی؛ سطح رفتارها و هنجارها را مورد بررسی قرار می‌دهد. هر حرکتی که بخواهد به مفهوم واقعی؛ رصد فرهنگی انجام دهد باید حوزه‌های مختلف نظام اجتماعی را در تأثیر متقابل بر یکدیگر ببیند. توجه به فرهنگ در ارتباط با فرهنگ سیاسی، اقتصادی، دینی و جهانی مهم است. هر پدیده یا مسئله فرهنگی که در سطح توده عام مردم می‌بینیم ناشی از جریانی است که از سوی مولدین و نخبگان فرهنگی تولید می‌شود. جریان شناسی نخبگان شامل تحلیل محتوای مطبوعات، رسانه‌ها، کتب منتشره، سخنرانیها، کالاهای هنری از قبیل موسیقی، سینما، فرهنگهای خارجی و فرهنگ شرقی می‌باشد.

رصد فرهنگی، ابعاد و راهکارها

دکتر بابک نگاهداری

نبود؛ سعی کردیم از مصاحبه اکتشافی و دیدگاههای صاحب‌نظران استفاده کنیم. هدف از انجام مصاحبه‌های اکتشافی پیرامون رصد فرهنگی؛ ارائه تعریفی از رصد فرهنگی از یکسو و طراحی ابعاد و فرآیند انجام رصد فرهنگی از سوی دیگر است.

غیر از مطالعات کتابخانه‌ای افرادی را از خبرگان حوزه و دانشگاه انتخاب کردیم. در کنار این کار با ۶ نفر از صاحب‌نظران حوزه فرهنگ مصاحبه اکتشافی انجام دادیم. مصاحبه‌شوندگان عبارت بودند از آقایان: دکتر سعید معیفر، دکتر بهرام محمدیان، دکتر محسن الویری، حجه الاسلام والمسلمین آشنا و حجه الاسلام والمسلمین سید عباس نبوی، و حسن عباسی. محورهای این مطالعه و تحقیق که مربوط است به سالهای ۸۲-۸۳ عبارتند از: ۱- تعریف رصد فرهنگی ۲- دامنه عملیاتی رصد فرهنگی ۳- روش و چگونگی انجام کار. با تحلیل مضمونی مصاحبه‌ها به این نتیجه رسیدیم که رصد فرهنگی عبارت است از تحلیل و بررسی ارزشها، نگرشها و هنجارهای موجود جامعه در سطح فرهنگ عمومی و خرده فرهنگها. به عبارت دیگر می‌توان گفت رصد فرهنگی عبارت است از مسئله شناسی

رصد در لغتنامه دهخدا به معنای مراقبت، کمین، راه نگاهداشتن، کسی و یا چیزی را چشم داشتن و نظر دوختن آمده است. کلمه رصد بیشتر در نجوم مورد استفاده قرار گرفته است. لذا سعی بر این بوده کاری که طراحی کرده‌ایم متناسب با فضای مفهومی یک کار اکتشافی باشد. فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای مرکب از ارزشها، عقاید، هنجارها و نمادها که در یک جامعه پذیرفته شده و پایداری آن به صورت غیررسمی تضمین گردیده است. در این پژوهش؛ بررسی فرهنگ در کلیه حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مدنظر بوده است. فرهنگ دارای چهار مؤلفه اصلی آگاهی، عقاید، ارزشها، هنجارها و نمادها می‌باشد.

مطالعات در این تحقیق؛ بیشتر روی ابعاد و فرآیند انجام رصد فرهنگی متمرکز شده است. از آنجائیکه در مطالعات پیشین موضوع خیلی متناظر به بحث رصد فرهنگی موجود

استنباط کنیم که باورها، اعتقادات و اصول دین، اخلاقیات، ارزشها، فروع دین، آنچه تعیین کننده حلال و حرام و خوب و بد است، اعمال و مناسک، برکات و چگونگی انجام آنها که در شأن مقدس اسلام نام دین به آنها گذاشتهاند می‌تواند از جمله مؤلفه‌های اساسی تلقی شود. بعد اعتقادی مؤلفه‌هایی که ما اختیار کرده‌ایم عبارتند از اعتقاد به خدا و یگانگی او، اعتقاد به نبوت حضرت محمد(ص) اعتقاد به معاد و روز قیامت، اعتقاد به عادل بودن خدا و دوازده امام معصوم، در بعد پیامدی مؤلفه‌هایی همچون: لزوم پیروی از دستورات و تعالیم و قوانین دین، رعایت فریضه امر به معروف و نهی از منکر، حرمت رباخواری، لزوم تشکیل حکومت اسلامی، مردم دوستی با مومنین، لزوم رعایت حجاب اسلامی، لزوم پرهیز از مصرف گوشت خوک و مشروبات الکلی، لزوم پرداخت خمس قرار دارند. مؤلفه‌های بعد مناسکی را نمازگزار، روزه گرفتن، حج گزار و شرکت در اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها قرار دادیم. در بعد عاطفی؛ احساس خود نسبت به قدرت خداوند که دین اسلام را مظهر رحمت و لطف قرار داده، عشق به خدا و دین خدا، ترس از خدا، امید به خدا، احساس تقرب و نزدیکی به خدا، توبه از گناهان و لزوم برخورداری از صفات اخلاقی همانند گذشت، فداکاری و ایثار قرار دادیم، در بعد آخر که بعد دانشی یا فکری به آن لقب داده‌ایم دانش‌نیتهای مربوط به اسلام اعم از تاریخ تولد، شهادت، جنگ‌های پیامبر و ائمه، کلام، فلسفه، فقه و غیره را قرار دادیم و با توجه به مؤلفه‌هایی که ذکر شد اگر بخواهیم تعریفی داشته باشیم و این تعریف به ما کمک کند. باید بگوییم در بعد اعتقادی با باورهای دینی سروکار

داریم. اعتقادات نوعی ادراک برخاسته از دین است. بنابراین رعایت یکسری معیارهای ارزشی و رفتاری روزمره و بررسی پیامد این اعتقاد بر رفتارهای دینداران و زندگی روزمره آنها در این بعد مورد توجه قرار گرفته است. در بعد مناسک‌ها که اعمال دینی را به آن لقب داده‌ایم؛ به جا آوردن اعمال، مراسم، آداب و رسوم و شعائر دینی، تشریفات بیرونی برای انجام یک عمل غالباً جمعی را مدنظر قرار دادیم بعد عاطفی را اصطلاحاً تجربه دینی معرفی کردیم و منظورمان عواطف و احساساتی بوده که بیان کننده شعور برتر انسان است. بعد دانشی شامل اطلاعات و دانسته‌های مبنایی و لازم از اعتقادات دینی است. بنابراین اینجا جنبه اطلاع رسانی و آموزش دینی بسیار قوی خواهد شد. اما روش تحقیق بحث، تحلیل محتوای مضامین روزنامه‌های کثیرالانتشار از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۱ بوده که ۶ مقطع زمانی مؤثر را با نظر صاحب‌نظران تاریخی و اجتماعی انتخاب کرده‌ایم. از تجزیه و تحلیل فراوانی و همگرایی و تکنیک احتمال وقوع استفاده کرده‌ایم. برای انتخاب روزنامه‌ها از نمونه‌گیری طبقه بندی شده متناسب استفاده کردیم. توزیع فراوانی مضامین ارزشی نشان می‌دهد که در بعد اعتقادی تعداد مضامین قاعدتاً زیاد شده ولی آنچه مورد نظر است افزوده شدن تعداد به تنهایی نیست بلکه نسبتها باید مورد توجه قرار بگیرد. وقتی نسبتها را بررسی می‌کنیم؛ می‌بینیم یکسری از آنها اقوال داشته‌اند و یکسری هم افزایش. بررسی ما براساس آزمون 'I' نسبتها است که 'یا این نسبتها براساس آزمون 'I' می‌تواند معنادار باشد. در واقع بررسی آزمون 'I' برای تفاوت نسبتهای مربوط به نظام ارزشهای دینی در مقاطع قبل و بعد

از انقلاب اسلامی معنادار است. ولی به لحاظ ابعاد، اینکه کدام صفت غالب می‌تواند مشخصه سنج دینداری قبل از انقلاب باشد مدل و یا بعد احساس مناسکی به دست آمد. برای بعد از انقلاب اسلامی، آن صفت غالب بعد پیامدی و فکری بدست آمد. این به این مفهوم است که ما اولاً تمام این ابعاد را در گفتمان رسانهای که به نوعی به اعتقاد اصحاب علوم از تطبیقی گفتمان مردم هم تلقی می‌شود و حاضریم استدلال این بحث را داشته باشیم و از طرف دیگر روش بررسی مطبوعات از جهت اینکه مشکل پیمایشها را ندارد و دسترسی به نمونه‌های قبل از انقلاب برای ما ممکن نبود می‌توانست یک فرصت محسوب شود. مدل دینداری ما این پنج بعد را دارد بعد از انقلاب یک گفتمانی در سنجهای دینداری می‌آید که عنوان پیامدی و فکری دارد. به تصور من معنای آن این است که انقلاب اسلامی توانسته گفتمانی را از دین به جامعه عرضه کند مبنی بر اینکه دین می‌تواند در زندگی روزمره کاربرد داشته باشد. دین در صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کارآمدی دارد که انقلاب اسلامی وجه مشخص و بارز این مدعا است و مردم ما هم دین کارآمد می‌خواهند و می‌خواهند اثر دین را در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی و در جای جای زندگی ببینند. آنها این تفسیر را می‌پذیرند که انقلاب اسلامی توانسته این گفتمان را جاری کند. بنابراین ما موظفیم این پیام را بگیریم آن را به مدل سنجهای دینداری ببریم و برای طراحی نظام مهندسی فرهنگی و شناخت دقیق از آنها استفاده کنیم تا بتوانیم انقلاب و دستاوردهای آن را استمرار ببخشیم و برای اعصاری که پیش رو داریم جریان سازی مناسب کنیم.



دکتر بابک

نگاهداری دارای
دکترای پزشکی

از دانشگاه تهران

و کارشناسی ارشد جامعه شناسی

(گرایش مطالعات فرهنگی) از

دانشگاه علامه طباطبائی و صاحب

تألیفات و مقالاتی در حوزه های

فرهنگی می باشد.

جریانها در سطح نوده مردم و فرهنگ عمومی روی یکی از اجزای چهارگانه فرهنگ تأثیر می‌گذارد. ممکن است یک موضوع از نظر رویکرد دین شناختی یک مسئله باشد ولی از نظر رویکرد جامعه شناختی مسئله نباشد لذا ما باید همه ابعاد را در نظر بگیریم. جریان شناسی فرهنگی بیشتر در سطح تولیدات نخبگان مطرح می‌باشد. در این رابطه ما مسئله را شناسایی و وجوه آن را مورد مهندسی قرار دادیم و تبدیل به سؤالیهای صریح و شفاف کردیم تا مسئله کاملاً مشخص شود و معلوم گردد که ما به دنبال پاسخگویی به چه سؤالی هستیم. از ابعاد مختلفی همچون دین شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی باید مسئله را مورد تحلیل قرار دهیم. یعنی تحلیلهای ما نباید منحصر به یک رویکرد باشد. بسیاری از تحقیقات صرفاً با یک رویکرد دین شناختی یا رویکرد جامعه شناختی انجام می‌شود. مرحله بعد از شناسایی مسئله و مهندسی و پاسخ صریح به سؤالیها این است که ما باید چه پاسخی را در پیش بگیریم که عوارض مسئله را کم و یا اصلاح کنیم و آن را از حالت مسئله بودن در آوریم. مرحله دیگر سیاست پژوهی و آینده پژوهی است که درصدد است با فراتحلیل و پردازش اطلاعات حاصل از مطالعات و پژوهشها؛ به تنظیم سیاستها و راهبردهای منتج از پژوهشها و مطالعات و آینده‌شناسی فرهنگی پیرامون مسئله

با انکاب روشهای علمی سیاست پژوهی و علم پژوهی پیردازد. در مرحله سیاست‌گذاری فرهنگی؛ انتخاب و اتخاذ سیاستهای سازنده با تکیه بر ابزار صحیح فرهنگی همچون اطلاع رسانی فرهنگی، آموزش و برنامه ریزی فرهنگی، حقوق فرهنگی در خصوص صنایع فرهنگی و اقتصاد فرهنگ نتیجه مطلوب را بدست می‌دهد. مدیریت فرهنگی از این ابزار مختلف می‌تواند برای اعمال سیاست مشخص استفاده نماید.

در خصوص بهره برداری از انواع گوناگون ابزارهای فرهنگی توجه به این نکته لازم است که در گذشته رویکرد مدیریت فرهنگی نهاد محور بود؛ بخاطر اینکه ذائقه مردم این گونه بود که برای کارهای فرهنگی به نهاد مشخص مراجعه می‌کردند. الان باید رویکردهای

فرهنگی عوض شود، مدیریت نهاد محور باید تبدیل به مدیریت محصول محور شود. باید به تولید محصولات فرهنگی توجه بیشتری داشته باشیم. مرحله نهایی؛ پیامد سنجی سیاستها است. هر پاسخی که اتخاذ می‌شود پیامدهایی به همراه خواهد داشت. نظام مدیریت فرهنگی کشور باید در یک دوره مشخص این پیامدها را با کار تحقیقی بررسی نماید. اصلاح سیاست باید براساس نتایج پیامد سنجی باشد.

